

بررسی اجمالی جغرافیای تاریخی و معرفی  
برخی از بناهای مذهبی و مشاهیر شهر بسطام

# بسطام

## شهر مشاهیر

### و بناهای مذهبی

محبوبه صدیقی \*

چکیده

شهر کهن و تاریخی بسطام در موقعیتی استراتژیک و حساس در حاشیه جنوبی کوه‌های البرز و تقریباً در نواحی مرکزی ایران قرار دارد و از سابقه‌ای هزار ساله برخوردار است. در حقیقت ساختار ویژه جغرافیایی بسطام نقش بسیار مهم و تأثیرگذاری در تاریخ و تحولات سیاسی، اجتماعی و... آن داشته است؛ به ویژه آنکه بسطام در ابتدای استان خراسان قرار داشته و به عنوان ایستگاه و نقطه تعیین مسیر غرب - شرق - شمال مطرح بوده است. موقعیت جغرافیایی مناسب توانسته است موجب انتقال فرهنگ و تمدن از شرق به غرب ایران شود که می‌توان ظهور مشایخ بزرگ صوفیه، محدثان، علما، شعرا و نام‌آوران مشهوری در این خطه را به این سبب دانست. از جمله آنها بایزید بسطامی، شیخ ابوالحسن خرقانی، فروغی بسطامی و... مصداق کامل این گفته‌اند که حتی فرماندهان بزرگ و مشهوری چون سلطان محمود غزنوی، امیر تیمور گورکانی و ایلخانان مغول مجذوب و شیفته آنها شده‌اند. موقعیت مناسب طبیعی و امکانات کشاورزی و دامداری و بویژه بناهای تاریخی تأثیر زیادی در جذب جمعیت و جهانگرد به این خطه داشته است.



## مقدمه

امروزه شکی نیست که دانش تاریخ بدون یاری گرفتن از علوم دیگر از جمله جغرافیا، جامعه‌شناسی و حتی علوم جدید نمی‌تواند مباحث تاریخی را مستند و مستدل ارائه و تفسیر کند. در واقع به کمک جغرافیای تاریخی، می‌توان تأثیرات عوامل و عوارض جغرافیایی بر ساخت تاریخ را با نمونه موردی یک شهر، استان، منطقه و... بررسی کرد. در میان مناطق گسترده و متعدد ایران زمین برخی نواحی به علت پیشینه و ویژگیهای خاص جغرافیایی و تاریخی اهمیت خاص دارند، از جمله ایالت قومس و شهر تاریخی و کهن بسطام. این شهر خاص در موقعیتی استراتژیکی و حساس در حاشیه جنوبی رشته کوه‌های البرز و تقریباً در مرکز ایران قرار دارد، سابقه‌ای به درازای ۱۵۰۰ سال دارد و فراز و نشیبهای بسیاری را پشت سر گذاشته است. در حقیقت ساختار ویژه جغرافیایی بسطام نقش بسیار مهم و تأثیرگذاری در تاریخ و تحولات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و... آن داشته است بدین خاطر پرداختن به جغرافیای تاریخی بسطام کمال اهمیت را دارد.

در جریان بررسی و تهیه و گردآوری این مقاله، این سوالات و فرضیات مطرح شد:

- آیا شکل گیری بسطام تابع الگوی سنتی تکوین شهرها در ایران بوده است یا خیر؟
- رابطه موفقیت استراتژیکی بسطام با اهمیت و افزایش نقل و انتقالات در آن چگونه توضیح داده می‌شود؟

- می‌توان این‌گونه تصور کرد که بسطام در ورودی خراسان و شرق ایران با مرکز و غرب فلات ایران قرار داشته و به عنوان ایستگاه و نقطه تعیین مسیر غرب - شرق - شمال مطرح بوده است.

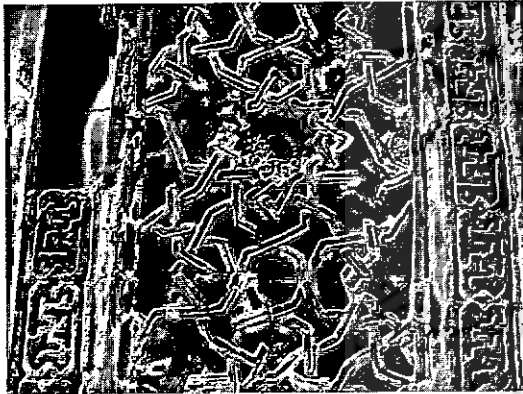
- موقعیت مناسب طبیعی و جغرافیایی توانسته است، موجب انتقال فرهنگ و تمدن از شرق به غرب ایران شده و حتی ظهور مشایخ بزرگ صفویه، محدثان، علما و شعرا و نام‌آورانی مشهور در این خطه می‌تواند مصداق کامل این فرضیه باشد. به ویژه دو شخصیت بسیار معروف، بایزید بسطامی و شیخ ابوالحسن خرقانی که برکت وجود آنها سراسر این منطقه را فرا گرفته و مردمان این خطه را صاحب افتخار از وجود چنین نام‌آورانی کرده است.

### جغرافیای تاریخی بسطام

بسطام در شش کیلومتری شمال شرقی شاهرود در مسیر راه شاهرود به گرگان واقع شده و از نقاط بسیار قدیمی ایران است. از حیث وسعت سومین شهر ایالت قدیمی قومس به شمار می‌رفت و در گذشته اهمیت بسیار داشته تا اینکه در یورش مغولان به ویرانی کشیده شده است. بسیاری از سیاحان، جغرافی‌نویسان و مورخان اسلامی، از جمله ابن حوقل، مقدسی، ابودلف، یاقوت حموی، ابن بطوطه و ناصر خسرو از این منطقه به نیکی یاد کرده‌اند و آن را جایی بزرگ<sup>۱</sup> خرم بسیار پرنعمت، و دارای بازارهای متعدد وصف کرده‌اند و نیز از فراوانی ارزاق آنجا سخن رانده‌اند. از سبب بسطامی که به عراق صادر می‌شده است<sup>۲</sup> و نیز معادن «ماگنزیم» آن نوشته‌اند. همچنین از کاخ بزرگی بر فراز تپه‌ای در نزدیکی بسطام یاد کرده‌اند که گرداگرد آن بارویی بوده و آن را از بناهای شاپور ذوالاکتاف ساسانی دانسته‌اند.<sup>۳</sup>

### وجه تسمیه بسطام

در مورد وجه تسمیه بسطام آمده که بسطام از واژه قدیم فارسی «ویستاخما» مشتق شده است. به طوری که نوشته‌اند این شهر از بناهای «بسطام» سردار معروف خسرو پرویز پادشاه ساسانی و فرمانروای خراسان و قومس و گرگان و طبرستان در قرن ششم میلادی است و یا در دوره حکومت وی به این نام خوانده شده است. حکیم ابوالقاسم فردوسی شاعر نامدار ایران در شاهنامه، ضمن بیان داستان فرستاده شدن دختر خاقان نزد انوشیروان ساسانی، از بسطام نام برده است.<sup>۴</sup>



## بسطام در ادوار مختلف تاریخ ایران

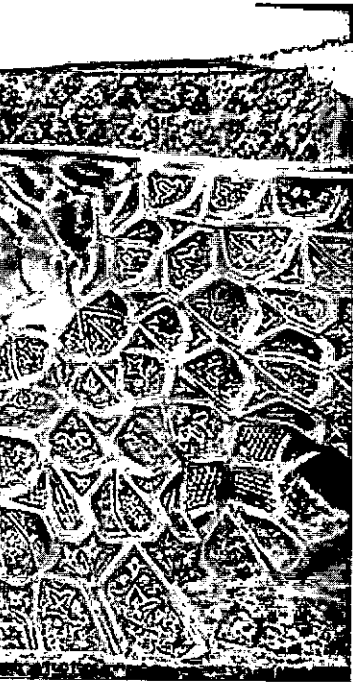
بسطام دوران باستان و در پاره‌ای مواقع ایالت مستقل و مرکز ایالت بوده است. در دوران اسلامی تقریباً نامشخص است و لیکن جزو خراسان بزرگ محسوب شده است. در دوران مغول و تیمور جزو ایالت قومس بوده و در دوران (صفویه تا قاجاریه) به همراه سمنان، دامغان و شاهرود جزو ایالت قومس به حساب می‌آمده است. در دوره پیش از انقلاب و جمهوری اسلامی جزو استان سمنان و بخشی از شهرستان شاهرود است.

### فتح بسطام توسط اعراب مسلمان

منطقه قومس و بسطام در زمان خلیفه دوم نیز به دست مسلمانان فتح گردید مورخان اسلامی تاریخ فتح بسطام را سال ۲۲ هجری ذکر کرده‌اند و در مورد جزئیات این فتح آمده است که نعیم از سرداران سپاه اسلام پس از فتح ری به همراهی مضراب عجلی خمس‌ها را به دارالخلافه فرستاد که عمر بن خطاب به او نوشت که «سویدین مقرن» را سوی قومس فرست و «سماک بن مخرمه» را بر مقدمه سپاه وی گمارد و دو پهلوی سپاه را به «عتبه بن فهاس» و «هندبن عمر جملی» سپرد. سویدین مقرن به آرایش سپاه از ری آهنگ قومس کرد که بدون مقاومت از جانب کسی به راحتی آن نواحی را تصرف کرد. پس از فتح بسطام، لشکری توسط سویدین مقرن پس از اقامت کوتاهی در ناحیه بسطام به تعقیب پارسیانی که به طبرستان گریختند، پرداختند و گروهی از پارسیان نیز راه بیابانها را در پیش گرفتند قابل ذکر است که نعیم ضمن لشکرکشی برای آنها نامه نوشت و آنها را به صلح و جزیه خواند و در نامه نعیم به آنها آمده است که اولین امانی را به مردم قومس و اطراف می‌دهد و جان و مالشان به شرط آنکه جزیه دهند و در حد توانشان نیک‌خواهی کرده و خیانت نوزند و هر مسلمانی را که بر آنها وارد شود یک شب و روز غذای او را به عهده گیرند در امان باشد.<sup>۵</sup>

با ورود اسلام به ایران و نواحی مختلف آن از جمله بسطام و پذیرش این دین الهی از طرف مردم، به زودی دوران جدیدی از شکوفایی فرهنگی، علمی و اقتصادی و... آغاز شد.<sup>۶</sup> چنانکه مهاجرت اعراب به ایران در دهه‌های اول فتح ایران توسط اعراب مسلمان آغاز می‌گردد و به طور خاص به سه ناحیه فارس، کرمان و خراسان بود که با توجه به همجواری قومس و بسطام جزو قلمرو خراسان نیز به حساب می‌آمد، شاخه‌هایی از اعراب در مسیر حرکت به سمت خراسان در نواحی خوش آب و هوای شمالی قومس و از جمله منطقه بسطام نیز سکونت اختیار کردند و به مرور زمان در اثر ازدواج و اختلاط نژادی بین اعراب و ساکنان بومی منطقه، زمینه ایرانی شدن اعراب نیز فراهم شد

البته در مورد مهاجرت برخی قبایل عرب به منطقه بسطام و از جمله اعراب عامری آمده است که امیر تیمور گورکانی آنها را از حدود شامات به ایران کوچانیده و آنها بعد از سکونت اولیه در کاشان اردستان و اصفهان و مناطق شمالی‌تر از جمله قومس کوچ کرده و طوایفی از آنها در آن منطقه سکنی گزیدند اعرابی که وارد سرزمین ایران شدند کم‌کم تحت تاثیر و نفوذ اداری و دیوانی ایرانیان که در این زمینه زبانزد خاص و عام بودند قرار گرفتند و این امر حتی در اوایل تسلط اعراب مسلمان به ایران و دوران خلافت عمر و عثمان به پیشنهاد حضرت علی (ع) و استفاده از تجربیات گرانمای ایرانیان در این زمینه، اصولی دیوانی و اداری و سیستم مالیاتی و دیگر نهادهای حکومتی دنیای اسلام تکمیل شده و به یکی از بهترین و کامل‌ترین روشها در نوع خود تبدیل شد.



در سال ۲۰ هجری بین اعراب مسلمان و فاتحان ایرانی با اهالی قومس که طبعاً بسطام نیز جزو آن حساب می‌شد، قراردادهایی در زمینه‌های مختلف منعقد شد و اهالی بومی این نطقه خیلی سریع و بدون هیچ گونه مقاومتی آیین مقدس اسلام را پذیرفتند (در حدود سال ۲۲ هجری) و علاوه بر مالیات که دولت اسلامی برای آنها در نظر گرفته بود تعهدات دیگری از جمله: مسکن دادن، نگهداری و راهنمایی مسافران و مشاوره و راهنمایی حکام جدید برگردن آنها نهاده شده بود. شاید بتوان از همین جا نیز به این مطلب پی برد که اعرابی که در منطقه بسطام سکنی گزیدند در همین مقطع زمانی فتح بسطام به آنجا کوچ کرده باشند.<sup>۷</sup>

### بسطام در دوره طاهریان

بسطام در زمان طاهریان با توجه به اینکه نواحی قلمرو طاهریان در شرق ایران بوده و مرکز حکومتشان شهر نیشابور و با توجه به نزدیکی بسطام به پایتخت طاهریان، این شهر نیز تحت نفوذ و سلطه مستقیم طاهریان قرار داشته و در آن زمان با توجه به مندرجات کتب جغرافیایی جزو ایالات قومس به شمار می‌آمده است.<sup>۸</sup>

### بسطام در دوره دلمیان

از وقایع مرتبط با تاریخ بسطام در دوره دلمیان (آل زیاد و آل بویه) در یکی از کتب محلی آمده است که نصرت الدوله رستم بن علی شهریار بن قارن که از بزرگان منطقه ديلم و طبرستان بود و حکومت گرگان و بسطام و دامغان تا حد موقان در تحت ملک وی بود و خودش فرمانبردار سلطان مسعود غزنوی بوده است که در نهایت مناطق تحت سلطه‌اش به دست مرداویج افتاد و همچنین در جایی دیگر آمده است که اسبهد اعظم حسام الدوله والدین ابوالحسن اردشیر بن حسن در پاسخ درخواست و نامه قزل ارسلان مینی بر تسلیم کردن طغرل بن ارسلان به وی این مطلب را نپذیرفت و حتی مدتی بعد سلطان را به حکومت دامغان و بسطام گمارد.<sup>۹</sup>

### بسطام در دوره غزنویان

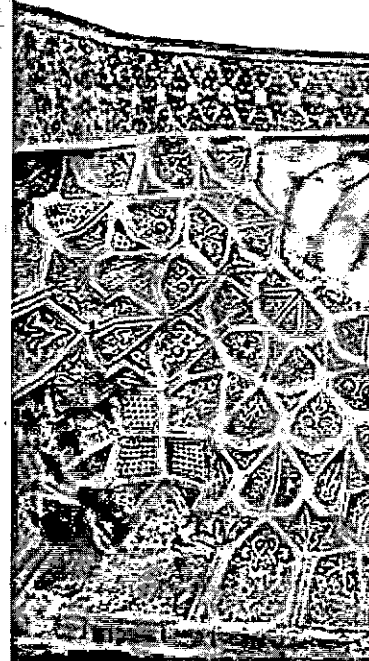
از وقایع مهم زمان غزنویان و مرتبط با بسطام ملاقاتی است که برخی مورخان به آن اشاره کرده‌اند که بین سلطان محمود غزنوی مشهورترین فرمانروای آنان و شیخ ابوالحسن خرقانی روی داده است و اصولاً اظهار ارادت و علاقه‌ای بوده که سلطان محمود به رهبران تصوف دراویش از خود نشان می‌داده است آن هم به خاطر به دست آوردن وجهه در بین مردم بوده است.<sup>۱۰</sup>

### بسطام در دوره سلجوقیان

از وقایع مربوط به عصر سلجوقی در بسطام آنکه ملکشاه غازی رستم هنگامی که سلطان سنجر سلجوقی توسط سلطان غزان دستگیر و محبوس شده بود او را آزاد گردانید و تمام ولایات بسطام و دامغان را به تصرف خویش در آورد و در همین ایام ملک کیومرث نیز بر ملک ری و قومس تاخت و تاز کرده و شهر بسطام را مورد غارت قرار داد و نیز حسام الدوله شاه اردشیر، امیر آخور بر نقش را به حکومت بسطام منصوب نمود.<sup>۱۱</sup>

### بسطام در دوره ایلخانان

بسطام نیز در دوران ایلخانان مغول ایام بسیار باشکوه و بااهمیتی را سپری کرده است. هولاکوخان در اواخر



سال ۶۵۳ق از راه بلخ و خواف و از آنجا به خرقان و بسطام و سرانجام به گردکوه دامغان رفته است. همچنین ابنیه زیبایی که در دوره ایلخانان در شهر بسطام ساخته شده نشانگر اوج هنر و معماری آن دوره و نشانگر علاقه‌ای است که ایلخانان بر خلاف چنگیز خان به آبادی و سازندگی داشته‌اند. درباره اهمیت ویژه بسطام در دوره مغول همین بس که در باره آن آمده است «در آغاز قرن هفتم هجری، فتنه مغول بسطام را ویران کرد و در اواخر دوره مغول مدتی مرکز حکومت طغا تیمور خان شد.»<sup>۱۱</sup>

### بسطام در دوره تیموریان

در رابطه با احترام تیمور و شاهرخ نسبت به مشایخ صوفیه در منطقه بسطام آمده است: «در روز سه شنبه ششم شوال ۸۲۲ هجری حضرت خاقانی در قریه خرقان و در یافتن زیارت شیخ ابوالحسن خرقانی و روز چهارشنبه هفتم شوال قصبه بسطام و زیارت سلطان‌العارفین ابویزید بسطامی کرد و همچنین یک مرتبه دیگر روز سه شنبه نهم شعبان ۸۲۲ هجری حضرت اعلی خاقانی در بسطام زیارت سلطان‌العارفین ابویزید بسطامی فرمود.»<sup>۱۲</sup>

### مشاهیر و نام‌آوران بسطام

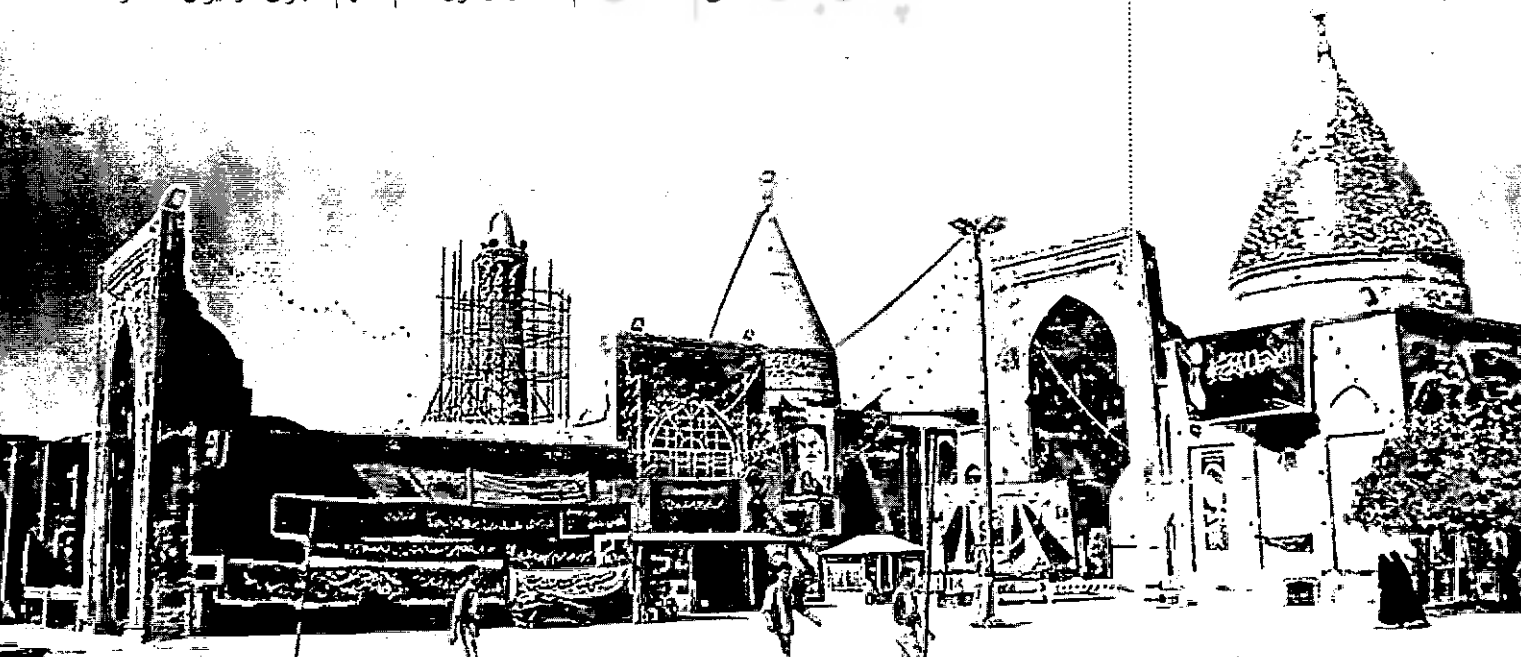
#### بایزید بسطامی

بایزید بسطامی، عارف مشهوری است که بسیاری از شعرا و سخنوران ایران در دیوانها و تذکره‌ها و... از وی نام برده و شخصیت والای آن مرد بزرگ را نگاشته‌اند در وصف او چنین آمده است: سلطان‌العرفاء و برهان الاولیاء ابویزید عیسی بن آدم بن سروشان بسطامی، وی از محتشمان درگاه و از طبقه اولی است اسم شریفش طیفور بوده و بایزید در فقر و فنا به مرتبه‌ای رسید که او را «سلطان‌العرفاء» گفته‌اند.<sup>۱۳</sup>

لقبش سلطان‌العارفین و شهرتش به جهت انتساب به مولد و وطن خود در شهر بسطام، بسطامی و فاضل بسطامی و کنیه‌اش هم ابویزید است، وی از کابر عرفا و ارباب طریقت است که زهد و مقامان عرفانی او مشهور است.<sup>۱۴</sup>

بایزید بسطامی مؤسس مکتب طیفوریه بوده است. این عارف بزرگ برای وجد روحی اهمیت زیادی قائل بود و مستی و بی‌خودی معنوی را رهایی از خودپرستی می‌انگاشت و به همین جهت مکتب او را از لحاظ داشتن جنبه شاعرانه و اشراق معروفیت یافت.

طریقه طیفوریه به چند شاخه سنی و شیعه تقسیم شده و از قرن هفتم تا نهم هجری در ایران انتشار داشته



اما اکنون پیروان چندانی ندارد.<sup>۱۶</sup>

مهمترین مراجع سخنان بایزید بسطامی عبارتند از: طبقات الصوفیة از عبدالرحمن سلمی، حلیة الاولیاء از ابونعیم اصفهانی، تذکرة الاولیاء عطار نیشابوری و النور من کلمات ابی طیفور از ابوالفضل محمدسهلکی بسطامی. سخنان او را پیروان و مریدانش گرد آورده‌اند که قریب ۵۰۰ سخن از سخنان او به ما رسیده است.<sup>۱۷</sup>

همچنین در الهی‌نامه، منطق الطیر، مصیبت‌نامه و اسرارنامه عطار، دیوان سنایی غزنوی، مثنوی مولوی، بوستان سعدی، اشعار علامه اقبال لاهوری، کلیات شمس تبریزی و در اشعار عبدالرحمن جامی حکایات و سخنان فراوان از آن بزرگوار آمده است.

### شیخ ابوالحسن خرقانی

شیخ خرقان از جوانمردان صوفی مشرب قرن چهارم و پنجم هجری و از طالبان حقیقت و مرشدان طریقت است که به سال ۳۵۱ هجری متولد شد در ریاض السیاحه در مورد شیخ ابوالحسن خرقانی و قصبه خرقان آمده است که خرقان دهی است خرم و قریه است که در سه فرسخی بسطام قرار دارد.<sup>۱۸</sup> منیع‌الدوله در باره وی نوشته: ابوالحسن نامش علی پسر جعفر و از مشاهیر اهل سلوک و عرفا به شمار می‌آید.<sup>۱۹</sup> یک قرن پیش بایزید از ظهور او خبر داده بود و ابوالحسن را بر خود مقدم داشته است.<sup>۲۰</sup> وی از صوفیان انگشت‌شماری است که اصل عشق را ناقد اعلام کرده و خدمت به بشریت نیازمند را هدف هستی خود می‌دانست. شیخ ابوالحسن علاوه بر سلطان محمود غزنوی با ابوسعید ابوالخیر و ابوعلی سینا طبق روایات اکثر کتب ملاقات داشته و آنها از محضر وی فیض برده‌اند. وفات شیخ را ۴۲۵ هجری در زمان القادر بالله خلیفه عباسی در قصبه خرقان ذکر کرده‌اند.<sup>۲۱</sup> مجموعه اقوال و کرامات وی در کتابی به نام نور العلوم وجود دارد. از سخنان او است: هر کس که در این سرا درآید نانش دهید و از ایمانش مپرسید، چه آن کس که به درگاه باری تعالی به جان ارزد، البته بر خوان ابوالحسن به نان ارزد.

### فروغی بسطامی

میرزا عباس فرزند آقا موسی بسطامی برادر اکبر دوستعلی خان که خزانه‌دار آقا محمدخان بود از اجله شعرا که شاید دیوان غزلیات فروغی بعد از شیخ سعدی و خواجه حافظ بر تمام دواوین شعرای غزل‌سرا برتری و مزیت داشته باشد. اجمالا باید دانست که فروغی از مشاهیر عرفا و اکابر شعرا و در تجرد و بزرگی او حرفی نیست.<sup>۲۲</sup> وی در سال ۱۲۱۳ هجری در عتبات به دنیا آمد و ۱۶ سال بیشتر نداشت که پدرش درگذشت و به همراه مادرش به بسطام آمد و بیشتر اوقاتش را صرف مطالعه دیوان غزل‌سرایان بزرگ مانند سعدی و حافظ کرد تا اینکه در نتیجه مطالعات و ممارست فراوان خود نیز غزلهایی با نهایت فصاحت سرود و «مسکین» تخلص می‌کرد. مدتی بعد همراه عمویش که خزانه‌دار فتحعلی شاه بود به ساری رفته و آنگاه به همراه وی به تهران آمد و غزلی را که در مدح شاه سروده بود به عرض رسانید و پسند افتاد و به سمت منشیگری شجاع‌السلطنه در خراسان درآمد پس از مدتی به نام امیرزاده فروغ‌الدوله یکی از پسران شجاع‌السلطنه تخلص خود را به فروغی تبدیل کرد و در این زمان با قآنی شاعر نامی دوره قاجاریه آشنا شد و سپس به کرمان و دوباره به تهران آمد و مدتی به عراق رفته و در آنجا به واسطه استغراق در احوال و آثار عارفان بزرگ به ویژه بایزید بسطامی و شیخ ابوالحسن خرقانی تغییر حال داد و به کلی از مردم دوری گزید و زندگی را به درویشی و اعتزال گذرانید. متأسفانه به دلیل شرایط سخت زندگی وی مجبور بود اشعاری را در مدح پادشاه بسراید تا امرار معاش نماید به طوری که هر هفته اشعاری را می‌سرود و نزد ناصرالدین شاه می‌فرستاد تا خودش در این زمینه سروده است:

چون فروغی در سر هر هفته می‌سازد غزل نزد شاهش از پی احسان و تحسین می‌برند  
سرانجام این شاعر نامی در ۲۵ محرم الحرام سال ۱۲۷۴ هجری قمری پس از یک سال کسالت شدید در سن ۶۱ سالگی در تهران بدرود حیات گفت.

## قدیمی ترین آثار باستانی بسطام

### تپه سنگ چخماخ

یکی از مجموعه‌های تاریخی بسطام تپه‌ای است موسوم به تپه سنگ چخماخ که قدمتی چندین هزار ساله دارد و محل سکونت انسانهایی با فرهنگ و تمدن بوده است. این تپه در هشت کیلومتری شمال شرق شاهرود و در جوار بسطام واقع است. طی سه فصل حفاری درست در سالهای ۱۹۷۱ و ۱۹۷۳ و ۱۹۷۵ مشخص شد دو تپه شمالی و جنوبی مربوط به دوره اسلامی و دو تپه شرقی و غربی مربوط به دوره‌های نئولیتیک و کالکولیتیک مربوط به سه هزار سال می‌باشد. در این حفاریها با آزمایش کربن ۱۴ این نتیجه عاید شد که قدمت این تپه‌ها در حدود هزاره ششم قبل از میلاد (۵۵۵۰ ق.م) است.<sup>۲۳</sup>

هیأت حفاری باستان‌شناسی تپه سنگ چخماخ به سرپرستی پروفیسور ماسودا ژاپنی از سال ۱۹۷۱م کار خود را شروع کرد تمدن این لایه‌ها را مربوط به دوره پیش از سفال می‌دانند. در این تپه چگونگی سیر تکامل بشر تا زمان ساخت سفال دیده می‌شود. از این تپه تعداد زیادی ابزار سنگی به دست آمد تیغه‌هایی که برای بریدن استفاده می‌شد تیغه‌های کوچکی شبیه پیکان که وسیله شکار حیوانات بوده و اشیای دیگر از قبیل تبر، نوعی سنگ‌ساب، ماله، چکش و نوعی ابزار چاقو تیزکن که برای ساختن ابزار استخوانی استفاده می‌کردند و در مجموع از تپه غربی اشیای زیر به دست آمد: قیر معدنی، عود، صدف، تیغه‌ها و اشیای استخوانی، اشیای سنگی پیکره‌های گلی که نمونه‌هایی از آنها در موزه شاهرود نگهداری می‌شود.<sup>۲۴</sup>

### برج و بارو و محلات قدیمی بسطام

با استناد به معجم البلدان بر تپه‌ای در کنار بسطام کانی بسیار گسترده بود که خانه‌های بسیاری در میان باروی آن دیده می‌شده و گویند از ساخته‌های شاپور ذوالاکتاف بوده است<sup>۲۵</sup> اما اینک فقط خرابه‌هایی از دیوارهای آنها باقی مانده است. در همین رابطه در مطلع الشمس آمده است که: بالجمله شهر بسطام باره استوار و برج بسیار دارد. قطر اساس باره سه ذرع و نیم و ارتفاع دیوار حصار از فرق کنگره‌های باره تا سطح زمین تقریباً دوازده ذرع می‌شود.

چهل و دو برج در چهار سمت قلعه می‌باشد که غالباً فاصله مابین هر دو برج پنجاه ذرع است و معدودی برجها شکلی مخروطی و متناسب‌البناء می‌باشد. دور قلعه یقیناً حندق بوده در السنه و افواه است که قلعه حالیه بسطام را نواب حسینعلی خان ثانی می‌باشد اختلاف صورت قطعات باره و برج مؤید این احتمال است. شهر بسطام را دو دروازه واقع شده و در گوشه شرقی دیوار شمالی به شهر دروازه مختصری بوده است که این زمان مسدود است و با خشت آن را گرفته‌اند و قلعه ارگ بسطام در شمال آن متصل به سور البلده واقع شده و در گرداگرد آن خندقی عنیق و خاکریزی معتبر بوده است و در دو طرف شمالی خاکریز دو برج قراول‌نشین ساخته شده که راه آنها از زیر خاکریز است و خود حصار ارگ شش برج دارد و دروازه آن در سمت شمال است و از جنوب ارگ دروازه‌ای برای دخول بلد ساخته‌اند. همچنین در بسطام پنج باب حمام و هفت مسجد و هشت آسیاب هست و کلیت این شهر مشتمل بر چهار محله است. محله بازار، محله رنگرزان، محله سر آسیاب و محل کاشیها.<sup>۲۶</sup>

قابل ذکر است که به مرور زمان محلات دیگری در محدوده قدیمی شهر و با توسعه شهر ایجاد شده که عبارتند از: محله فردوس، محله بابا ابوالقاسم، محله قلعه، محله صباغان، محله اسماعیل میرزا، محله دولت، محله حاج صفر علی و محله سراب.

## تکایای قدیمی بسطام

### تکیه دولت

این تکیه بزرگ به دستور آقا محمدخان قاجار در شهر بسطام بنا گردید تا در خود شهر و جمعیت آن باشد. بنای این ساختمان وسیع و با شاه‌نشین است در قسمت بالای این حسینیه اشعاری از محتشم کاشانی



شاعر قرن ۱۰ هجری با وضع خاصی نوشته شده است.<sup>۲۷</sup>

### تکیه صباغان

از بناهای عهد قاجار است و چون مؤسسان آن رنگرزی داشته‌اند به نام صباغان یعنی رنگرزان مشهور شده است. از دیگر تکایای بسطام: تکیه بابا ابوالقاسم، تکیه قلعه، تکیه اسماعیل میرزا، تکیه سراب، تکیه سر حوض.<sup>۲۸</sup>

### بناهای تاریخی شهر بسطام

شامل آرامگاه بایزید بسطامی، صومعه بایزید بسطامی، مسجد بایزید بسطامی، بقعه امامزاده محمد، منار بسطام، برج کاشانه (غازان خان)، مسجد جامع بسطام، دالان ورودی صحن امامزاده محمد، ایوان الجایتو، مقبره شاهزاده افغان (کتیبه مکشوفه)، مدرسه شاهرخیه بسطام، مقبره شیخ ابوالحسن خرقانی، حسینه روستای مزج.

در معرفی بناهای شهر بسطام دونالد ویلبر محقق آمریکایی می‌گوید: در حوالی قریه بسطام دو گروه ساختمانی در مجاورت یکدیگر وجود دارد که بعضی از عناصر آن متعلق به زمان مغول است که عبارتند از: ناحیه مقبره بایزید و مسجد جامعی که در کنار آن مقبره برجی عظیم وجود دارد. ساختمان مرقد بایزید ممکن است چندی بعد از مرگ آن مرد مقدس در اواخر قرن نهم میلادی صورت گرفته باشد. آثار مختصری از بقایای دیواره دوره سلجوقی در این ناحیه مشهود است. یک مناره وجود دارد که متعلق به دوره سلجوقی است و هم چنین مسجد این ناحیه از همان دوره است زیرا قسمتی از دیوار آن که حاوی تاریخ ۵۱۴ق/۱۱۲۰م است باقی مانده است. در دوره دوم ساختمانی شاید محوطه این ناحیه زیارتگاه ساخته شده باشد ولی فقط دو قسمت است که می‌توان به طور حتم به این دوره نسبت داد یکی از آنها سردر و راهروی سمت شرق دستگاه و دیگری ایوانی است که در آن سمت صحن در مقابل راهروی ورودی است.<sup>۲۹</sup>

### آرامگاه بایزید بسطامی

آرامگاه عارف شهید بایزید بسطامی در وسط شهر بسطام و شمال آرامگاه امامزاده محمد واقع است. به طور کلی آرامگاه این عارف بزرگ فاقد هر گونه تزیین و تکلف است و این طور به نظر می‌رسد که هیچ گاه ساختمانی به رسم آرامگاههای بزرگان شیعه اثنی عشری روی آن بنا نشده است و در حقیقت بی‌اعتنایی به مادیات و روح بیزاری از تجمل در این آرامگاه کاملاً متجلی است.

گویند غازان خان ایلخان مغول گنبدی در جوار آرامگاه امامزاده محمد در بسطام بنا کرد و خیال داشت جسد بایزید را به آن محل انتقال دهد ولی شبی بایزید به خواب دید که از تصمیم وی ناراضی است و از او درخواست کرد که از انجام این عمل خودداری نماید و غازان خان با دیدن خواب مذکور از این کار منصرف شد.<sup>۳۰</sup>

در زمان ناصرالدین شاه توسط نصرالله خان نصرالملک تعمیراتی عمده در صحن و صفا تربت شیخ بایزید انجام شده از جمله حصاری که بر گرد مقبره ساخته لیکن در سال ۱۳۱۸ هجری شمسی به دستور وزارت فرهنگ و اداره باستان‌شناسی این حصار برداشته شده است و اکنون فقط یک پنجره مسقف آهنی که به همت دو نفر اهالی گرگان به نامهای حسین و رحیم جرجانی در سال ۱۳۳۵ش ساخته شده بر روی قبر بایزید می‌باشد. پس از عکس‌برداری از مجموعه بایزید و از جمله سنگ قبر بایزید بسیاری از خطوط که تا به حال خوانده نشده بود خوانده و معلوم شد بر خلاف آنچه که عده‌ای معتقد بودند به خط کوفی است خط کوفی نبوده و بلکه نسخ و بسیار خوانا می‌باشد به طوری که تمام آن خوانده شده است.<sup>۳۱</sup> سنگ مزبور شامل چهار قسمت می‌باشد به این ترتیب که دو قطعه سنگ دایره‌مانند یکی در بالا و دیگری در پایین و دو قطعه سنگ مستطیل در وسط قرار گرفته است.



در دایره اول نوشته شده است: «هو الملك الحي الذي لا يموت اللهم صل على محمد المصطفى و صل على الامام علي المرتضى و صل على الامام الحسن و صل على الامام الحسين شهيد كربلا و صل على الامام زين العابدين»

در دایره دوم نوشته شده است:

«حضرت الدستور الاكرم العلم نتيجة الوزراء العظام الاكابر الفحام غياث [...] الوالدين محمد الديلمي المشهور بقاضي ملك تغمد الله تعالى بفرانه و اسكنه في فرايس»

در مستطیل اول نوشته شده «لك الحمد ياذوالجود و الحمد و العلى - تباركت تعطى من تشاء و تمنع - الهی و خلاقی و حرزی موئلی الیک»

وسط مستطیل دوم نقاشی شده و در حاشیه چند بیت به شرح ذیل حک شده است:

ندانم چه سان باز عفریت دهر

نگین سلیمان ربود از کفم

گرانمایه درّی ز اشراف قوم

که گویی ز اشراف هم اشرفم

چنان پاک گوهر که آب حیات

به پاکی او می دهد زینتم<sup>۳۲</sup>

### صومعه بایزید بسطامی

در سمت غربی آرامگاه بایزید در فاصله چهار متری صومعه بایزید به صورت دو اطاق کوچک شبیه به هم و متصل به سقف‌های کوتاه است ابعاد اطاق اول ۱,۵×۲ متر و اطاق دوم ۲×۲ متر می باشد. دیوارها و سقف‌های صومعه دارای گچ‌بری‌های بسیار زیبایی است و مطالبی بر روی آن گچ‌بری شده در اطاقک اول مطلب زیر گچ‌بری شده است:

«قال سلطان العارفين و برهان الموحدين و قطب السالكين البایزید قدس سرّه و هذا [...] سرور فی سرور حجة الله تعالى [...] لنور علی نور و سئل عن سلطان العارفين ابویزید بما بلغت قال بادخال سرور فی قلب المؤمن و قال احبک العباد لنعماک و انا احبک لبلائک»

کتیبه دور محراب چنین است:

«بسم الله الرحمن الرحيم اقم الصلوة طرفی طرفی النهار و زلفا من الليل ان الحسنات يذهبن السيئات ذلك ذكری لذاكرين و اصبر فان الله لا يضيع اجر المحسنين»

مقابل محراب دریچه کوچکی است که بالای آن این کتیبه گچ‌بری شده است:

«عمل محمد بن حسین بن ابی طالب المهندس بناء الدامغانی و اخواه حاجی غفر الله له و الوالديه و المومنین و المؤمنات»

همچنین بالای در ورودی به اطاق دوم این کتیبه خوانده می شود:

«امر بعمارة هذا الصومعة الشريفة المباركة الكريمة افخم الكفات... في سنة اثني و سبعمائة»<sup>۳۳</sup>

در اطاقک دوم در کتیبه صومعه چنین نوشته شده:

«الله لا اله الا هو الحي القيوم لا تاخذه سنة و لا نوم له ما في السموات و الارض من الذلّي يشفع عنده الا باذنه يعلم ما بين ايديهم و ما خلفهم و لا يحيطون بشيء من علمه الا بما شاء و سع كرسية السموات و الارض و يؤده حفظهما و هو العلى العظيم»

دور محراب هم در سه حاشیه مطالبی گچ‌بری شده که دو کتیبه خط کوفی و یک کتیبه عربی است: «اقم الصلوة لدلوك الشمس الى غسق الليل و قرآن الفجر كان مشهودا و من الليل فتجهد به نافلة لك عسى ان يبعثك ربك مقاما محمدا»

بالای محراب هم دو کتیبه دیگر می باشد یکی مربع مستطیل که گویا به خط کوفی و دیگری بالای آن نیم دایره‌ای است که به خط عربی نوشته شده است:

«قال النبي عليه السلام. المصلی یناجی ربه»

در سه طرف دیگر این صومعه در بالای حاشیه‌ای که به خط عربی است آیه الکرسی نوشته شده است و مربع‌ها و دوائر دیگری هم هست که همه آنها پر از گچ بری‌های مختلف‌الشکلی است و در همه آنها مطالبی به خط کوفی مسطور است.

### مسجد بایزید

این بنا شامل دو قسمت یکی مختص نیایش مردان و دیگری مخصوص عبادت زنان بوده است که با گچ‌بری‌های زیبا و ظریف یکی از بناهای بی‌نظیر ایران است و در ورودی آن سه‌لنگه می‌باشد که دو لنگه آن به هم چسبیده و در سوم مجزاست. روی سه‌لنگه در مذکور نسبت‌کاری بسیار ظریف و هنرمندانه‌ای است

و بالاسر این در با آجرهای مخصوص مطالبی به خط کوفی نوشته شده است. سقف کنونی این مسجد مربوط به دوره قاجاریه می‌باشد. ولی چنین به نظر می‌رسد که در ابتدا پوششی قدیمی‌تر گنبدی داشته است. زیباترین بخش مسجد بایزید محراب گچ‌بری شده آن می‌باشد که امتیازات خاص خود را دارد از جمله اینکه با نقوش هندسی، گیاهی اسلیمی و گل‌های چهارپر مزین شده همچنین بخش فوقانی محراب با کتیبه‌هایی به خط ثلث و نستعلیق در دوره ایلخانی و قاجار آراسته شده است به این ترتیب که در عهد قاجار کتیبه‌ای نستعلیق را روی کتیبه‌ای از دوره ایلخانی که شامل آیات ۱ الی ۶ سوره فتح بوده نوشته‌اند.

نام سازنده مسجد در کتیبه آن استاد محمدبن الحسین بن ابی‌طالب المهندس البناء الدامغانی نقش بسته است. ارتفاع محراب این مسجد ۹/۳ متر و عرض آن ۲/۳ متر است و کتیبه‌هایی دارد از آیات سوره بقره و توبه. در جلوی مسجد بایزید دالان سروپوشیده‌ای است که دو راه به بیرون دارد یکی به کوچه پشت مسجد و دیگری به رواق حرم امامزاده محمد بر روی

در طرف کوچه نسبت‌کاری نسبتاً زیبایی به چشم می‌خورد که ظرافت آن به نسبت‌کاری در سه‌لنگه‌ای مسجد نمی‌رسد. در جلو راهروی دوم که از رواق حرم امامزاده محمد به دالان مذکور می‌آیند نیز در دیگری است که از قطعات بسیار کوچک چوب ساخته شده است ولی به امتیاز و اهمیت دو در اخیر نمی‌باشد.<sup>۳۴</sup>

### بقعه امامزاده محمد

در جنوب صحن مجموعه بقعه زیبای امامزاده محمد قرار دارد که طبق نوشته بعضی از کتب مقبره فرزند امام جعفر صادق (ع) و به عبارت صحیح‌تر از نوادگان امام (ع) است. بنای امامزاده شبیه گنبد غازان‌خان و قریه نیز هست بنای اولیه بقعه از غازان‌خان است که در زمان سلطان محمد خدابنده اولجایتو تعمیر شده است. ایوان امامزاده بلند و تزیینات آجری فوق‌العاده زیبایی در نمای خارجی دارد و در آن از چوب مشبک ساده تشکیل شده است. در قسمت بالای ایوان کتیبه‌ای با گچ‌بری‌های ظریف و یک ردیف ساده ولی جالب





به چشم می خورد. سقف ایوان نیز گنبدی است که از دو گوشوار تشکیل شده و شامل نقاشی‌هایی به شکل ستاره‌های شش پر است. قبر امامزاده ساده و در شمال شرقی حرم قرار گرفته و ضریح نقره‌ای زیبایی دارد که در سالهای اخیر بر آرامگاه امامزاده قرار داده‌اند.<sup>۲۵</sup>

### مسجد جنب بقعه امامزاده محمد

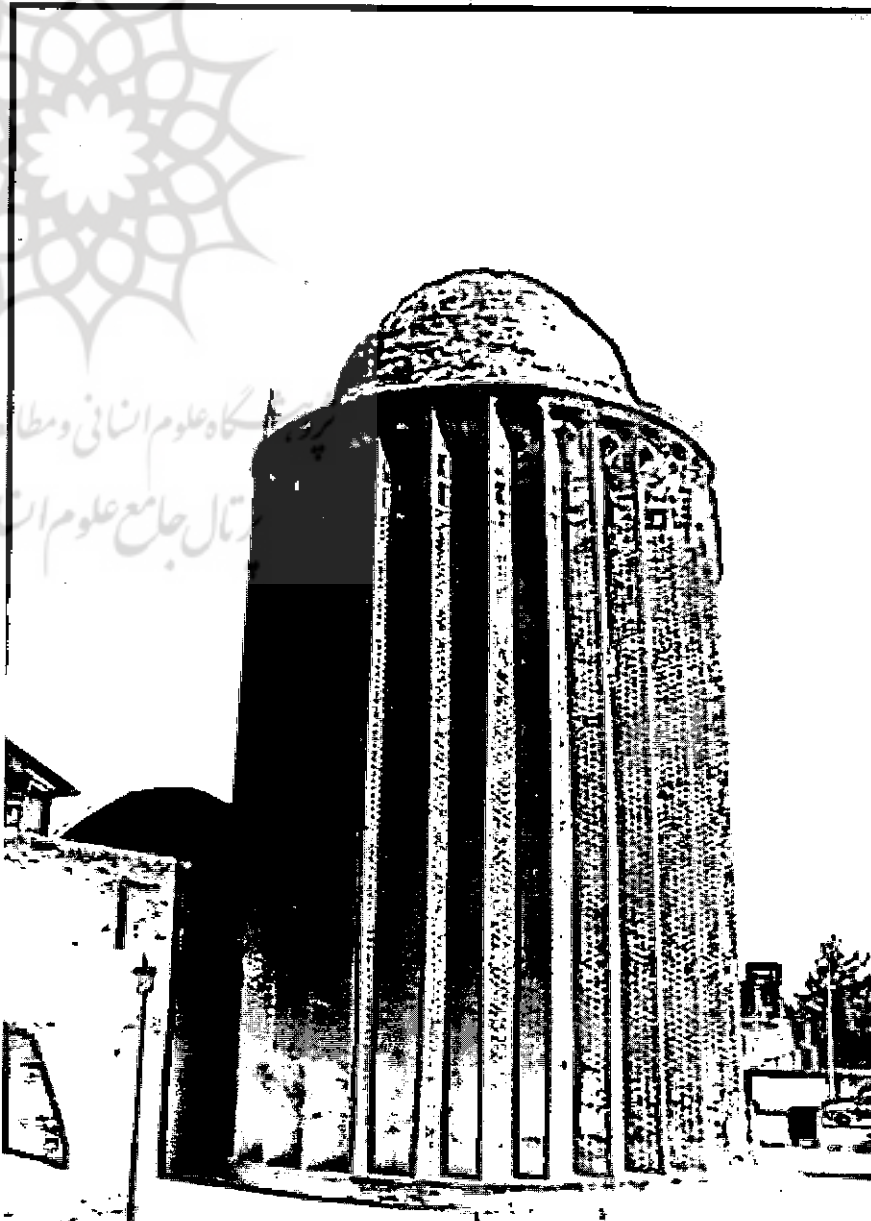
این مسجد بین بقعه امامزاده محمد و مسجد سلجوقی قرار دارد از ابتدا به صورت حیات کوچکی بوده ولی در زمان قاجاریه سقف آن پوشیده شده طبق کتیبه موجود در سال ۱۲۴۲ هجری قمری در زمان فتحعلیشاه قاجار تعمیراتی در آن صورت گرفته است. مضمون کتیبه بدین شرح است: (مرحبا به زمان صارت فیه بلدة بطام کبستان بعمار العدالة و آثار التصفة بحاربه من خدام الوالی النعم الکریم الافخم درة التاج و قره العین السلطنة میرزا الله و یردی ثمره شجرة اقبال و دوحه ریاض آمال خاقان بن البر و البحر سلطان ابوالعلی صاحبقران فتحعلیشاه قاجار و من آتان الموفق المؤید آقا محمد خازن الخزانة طلبا لمرضاة الله بنی مسجدا فی جوار المعصوم محمد بن جعفر علیه السلام بذله مالا خطیرا باهتمام التحریر المدقق یقبل الله و بشر منهم کار شیخ قاسم البایزیدی حرره میرزا محمد بیگ فیروزکوهی من شهر سنه اثنتین و اربعین و مأتین بعد الف (۱۲۴۲).<sup>۲۶</sup>

### منار بسطام

در مسجد بایزید و متصل به آن منار آجری زیبایی است که دارای تاریخ ۵۱۴ هجری می باشد. این منار که در حال حاضر حدود ۱۴ متر ارتفاع دارد باقی مانده مسجدی از دوره سلجوقیان است و شامل سه قسمت پایه، بدنه (ساقه) و تاج (کلاهک) می باشد و با سه ردیف کتیبه کوفی آجری آیه ۲۵۵ از سوره بقره را نشان می دهد. در ضمن این منار دارای تزیینات آجرکاری در طرح‌های هندسی گل و برگ به شیوه برجسته نیز می باشد.<sup>۲۷</sup> در قسمت فوقانی به وسیله چند ردیف آجرچینی ظریف و هنرمندانه تاج منار را به وجود آورده‌اند. پلکانهای منار به صورت مارپیچ و به وسیله سوراخهایی که از بدنه منار نور داخل آن تأمین می شود.<sup>۲۸</sup>

### برج کاشانه بسطام (برج غازان)

در جنوب شرقی مسجد جامع و متصل به آن برج بلند و زیبایی وجود دارد که به نام «کاشانه» معروف می باشد. ارتفاع برج مذکور از داخل ۲۴ متر است و از بیرون به ارتفاع تقریبی ۲۰ متر و شکل خارجی آن کثیر الاضلاع منتظم سی ضلعی است در بالای برج دو حاشیه از آجرهای بزرگ وجود دارد که روی آن مطالبی نوشته شده است در ضلع جنوب غربی این برج روی یک آجر کلمه «بسم الله الرحمن الرحیم» با خط ثلث بسیار جلی خوانده می شود. به مرور زمان سقف برج مذکور فرو ریخته بوده و در دوره‌های بعد نسبت به تعمیر آن اقدام شده است. زیرا آجرهای که در قسمت بالای این برج به کار رفته با آجرهای ساختمان برج فرق دارد و ثانیاً بندکشی‌های پایین برج بسیار استادانه. گویند که این عقیده



است که این بنا از آثار غازان خان مغول است و اسم اصلی آن غازانه بوده و به مرور زمان و بدون توجه به اصل آن کاشانه نامیده شده است. از یادداشتهای مسیو گدار که در سال ۱۳۱۶ هجری شمسی به بسطام آمده جملات زیر از برج کاشانه خوانده شده:

«السلطان المعظم شاهنشاه الاعظم مالک الرقاب الامم حامد... الله حافظ بلاد الله ناظر عبادالله المؤمن... من الدنيا و الدين و الاسلام و المسلمین قامع العدو... دین ظل الله فر العالمین سلطان ملک عباد الحافظین بعنایت رب العالمین عمل محمدحسین بن ابی طالب دامغانی تاریخ... سبعاًته»

در حال حاضر در وسط این برج چاهی بسیار عمیق وجود دارد و راه صعود به بالای بام آن از داخل ساختمان می‌باشد که باید از پله‌های بسیار کوچک و راهرو تاریکی عبور می‌کرده در دوره‌های بعد از اسلام از این برج برای دیده‌بانی و یا رصدخانه استفاده می‌شده است. این بنا از بناهای درخور / اهمیت خطه قومس به شمار رفته و نمای خارجی آن نیز دارای جلوه خاصی است. درب ورودی کاشانه از داخل مسجد جامع و مجاور محراب مسجد می‌باشد قبل از ورود به کاشانه دالان کوچکی هست که سه طرف آن گچ‌بری شده است و در اطراف و سردر دالان آیه الکرسی منقوش دارله و در طرف دیگر این عبارت نوشته شده است:

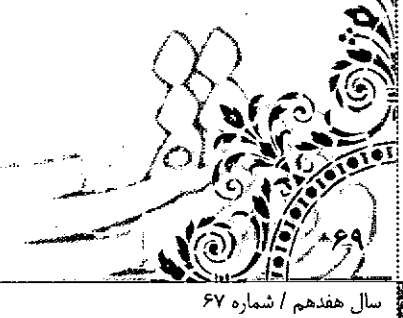
«قال رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم الدنيا دار من لا دار له و مال من لا مال له يجمع من لا عقل له و يفرح من لا فهم له نعيمها زابل و ملكها فاني... والموت لاهلها واجب و الله عالی فكيف يجهل و بعد عملك و يعمي بصرک و صدق رسول الله... سنة في الاسلام شرك بالله تعالى غفر الله له... من قرآن طاهرا... تعالى الله غفر له صدق رسول الله»<sup>۳۹</sup>

### گنبد غازان خان

گنبد مربع‌شکل غازان، (به ابعاد ۵/۵x۷/۷) در سمت شمالی مقبره بایزید بسطامی واقع شده است نوع گنبد مخروطی و حدود بیست متر از سطح زمین ارتفاع دارد و فاصله آن با گنبد داخلی ۸ متر است. تاریخ این ساختمان را سال ۷۰۲ می‌دانند و بنای آن را به غازان خان (ایلخان مغول) نسبت می‌دهند. گنبد غازان خان در بدنه خارجی‌اش تاق‌نماهایی دارد که با آجرکاری و گچ‌بری و کاشی‌های فیروزه‌ای‌رنگ مزین شده است.<sup>۴۰</sup>

### مسجد جامع بسطام

این مسجد در فاصله دویست متری جنوب آرامگاه بایزید واقع است، مسجد مذکور شامل دو قسمت است. قسمت اول که صحن مسجد است و محرابی با گچ‌بریهای بسیار زیبا دارد و هنرمندانه‌ترین شده است. صحن مسجد مربع و فضای آن باز است. محراب مذکور سه حاشیه دارد که این عبارت بر آن گچ‌بری شده است: حاشیه اول: «یا ایها الذین آمنوا اذا نودی للصلوة من یوم الجمعة فاسعوا الی ذکر الله و ذروا البیوع ذلکم خیر لکم ان کنتم تعلمون و اذا



قضیت صلوة فانتشروا فی الارض و ابتغوا من فضل الله و اذکروا الله کثیراً لعلکم تفلحون».  
حاشیه دوم: مطالبی است با خط کوفی که خوانده نمی‌شود.

حاشیه سوم: «بسم الله الرحمن الرحيم انما يعمر مساجد الله من آمن بالله وباليوم و الاخر و اقام الصلوة و آتی الزکوة و لم يخش الله فعسی اولئک ان يكون من المتهدین اجعلتم سقایة الحاج و عمارة المسجد الحرام [...] آمن بالله و بالیوم الاخر و جاهدوا فی سبیل الله».

در قسمت وسط محراب دو مربع مستطیل است که روی یکی نوشته شده: «لا اله الا الله محمد رسول الله» و بر دیگری نوشته شده: «علی بن ابی طالب ولی الله» گچبری قسمت دوم از لحاظ اسلوب و صنعتی که در ساختن آن به کار رفته با قسمت اول کاملاً فرق دارد. تفاوت فاحش گچبری مربع مستطیل دوم با تمام گچ‌بریهای این محراب حتی از روی تصویر آن کاملاً محسوس است و چنین استنباط می‌شود که چون این مسجد در سال ۷۰۶ هجری ساخته شده و در آن زمان مذهب تسنن مذهب شیعه و تسلط فرمانروایان و حکام شیعه ان اسامی را حذف نموده و به جای آن نام علی بن ابی طالب ولی الله را نوشته‌اند. در این مسجد کتیبه‌ای است که اسم بانی و موسس مسجد جامع در آن نوشته شده است. کتیبه دیگری در بالای مسجد هست که تاریخ تعمیر مسجد را که در سال ۱۲۴۲ هجری در زمان فتحعلیشاه قاجار به عمل آمده در آن نوشته شده است به غیر از محراب مذکور و صحن مسجد دو دالان طویل سر پوشیده در سمت شمال و مشرق مسجد وجود دارد که هیچ گونه گچ‌بری و آثار قابل توجهی در آنها نیست.<sup>۲۱</sup>

### دالان ورودی صحن امامزاده محمد

از بناهای سلطان محمد خدابنده الجایتو (۶۸۰-۷۱۶ق) شامل دو قسمت می‌باشد یکی سردر آن و دیگری دالان و ایوان رو به صحن امامزاده محمد که در سردر ورودی آن دارای کاشی‌های معرق بسیار زیبا که روی برخی از آنها چهار مرتبه نام علی(ع) به شکل خاصی نقش شده است. و گچ‌بری‌های زیبایی در این سردر دیده می‌شود و نیز در داخل دالان و ایوان رو به صحن متصل به دالان عباراتی با خطوط بسیار زیبا گچ‌بری شده است.<sup>۲۲</sup>

### مقبره شاهزاده افغان

متعلق به آرامگاه امیر افغانی و تاریخ آن سال ۱۲۸۶ق می‌باشد (پوپ) از عجم خان و کاظم خان نام می‌برد که مقبره‌شان چسبیده به بقعه بایزید است که احتمالاً همان آرامگاه شاهزاده افغان است.<sup>۲۳</sup>

### مدرسه شاهرخیه

این مدرسه که در ضلع جنوب شرقی مسجد بایزید قرار گرفته از آثار عهد شاهرخ تیموری است. مدرسه شاهرخیه بسطام دارای دو ایوان و دو طبقه بناست. حیاط مدرسه به شکل مربع مستطیل و در ابعاد ۱۹.۵x۱۸ متر می‌باشد. اطراف این مدرسه حجره‌هایی در دو طبقه برای استفاده طلاب ساخته شده است و جلوی هر یک ایوانی در حدود سه متر است. مدرسه شاهرخیه دو در ورودی در سمت شمال و جنوب دارد.<sup>۲۴</sup>

### مقبره شیخ ابوالحسن خرقانی

مقبره شیخ ابوالحسن خرقانی قدس سره که از مشایخ کبار و معارف عرفای حقایق آثار است در حوالی آبادی خرقان و روی تپه‌ای است لیکن ظاهر است که سابقاً این مقبره در مرکز آبادی بوده و بعد به مرور این قسمت آبادی ناپود شده است. در طرف مغرب متصل به مقبره مسجدی است مربع بسیار

مرتفع منتهی به گنبدی که به شکل مخروطی بی شباهت نیست و ظاهر گنبد را کاشی کاری کرده‌اند در داخل گنبد کتیبه‌ای است گچ‌بری شده به خط نسخ ممزوج به ثلث که اسم سلطان عصر و بانی و ساعی و متولی و غیره در آن تعیین شده و عین عبارت که چند کلمه آن محو شده این است:

«بسم الله الرحمن الرحيم. انما يعمر مساجد الله من آمن بالله و اليوم الاخر و قد امر بناء [...] المباركة في ايام الدولة السلطان خسرو آفاق كرويج نويان يزيد عدله رجاء شفاعة سلطان الاولياء سند العارفين و قطب السالكين ابي الحسن قدس الله روحه تقبل الله منه في تولية شيخ الاسلام المعظم صدر الملة و الدين ابویزیدین ابي القاسم به سعی مشايخ العظام نظام الملة و الدين... بن ابي القاسم و ركن الملة و الدين ابوالحسن و تاج الملة و الدين محمد ابناء صدر الدين ادام الله برکاته.

از این عبارت استنباط می‌شود که در آن زمان عربیت در اینجا از نقصان نبوده است. محرابی در این مسجد هست که به اقتضای بنا از جنوب حقیقی به سمت یمن منحرف می‌باشد و در ضلعی قبله را

به واسطه صورت محراب بسیار کوچکی معین کرده‌اند دور محراب اولی را گچ‌بری کرده و این عبارت را کتیبه نموده‌اند: «و قال النبي عليه السلام المصلي يناجي ربه» و از این عبارت نیز اهل خبرت دانند که در آن زمان تشیع در این نواحی رواج نداشته است. دور محراب در حاشیه دو فقره کتیبه است که عبارات آن به فارسی می‌باشد ولی یک فقره با کلی محو شده و خوانده نمی‌شود و بعضی از فقره دیگر آن این است «علی شیخ قدس الله روحه قبله پنج است: کعبه قبله مؤمنان است و بیت المعمور قبله فرشتگان است و عرش قبله دعاگویان است و حق قبله جوانمردان و دوستان و دل قبله عارفان است»<sup>۴۵</sup>

بنای مسجد آرامگاه شیخ ابوالحسن خرقانی از آثار قرن هشتم هجری است که بعدها به عمد یا سهو خراب شده است. بنای فعلی آرامگاه شیخ خرقان در سال ۱۳۵۲ شمسی به پایان رسید و ضمن برگزاری جشن باشکوهی در قصبه با حضور مسؤولان فرهنگی کشور و شهرستانهای استان سمنان افتتاح شد که در حال حاضر به همت سازمان میراث فرهنگی استان سمنان و هیأت امنای آرامگاه، این ساختمان که دارای فضای پارک‌گونه‌ای است با ایجاد کتابخانه و اطاق‌های زیرین دارای حال و هوای عارفانه ویژه‌ای است که هر بیننده‌ای را سخت تحت تأثیر قرار می‌دهد.

روی قبر شیخ قطعه سنگ مرمری قرار دارد و این اشعار بر آن حک شده است:

این مرقد شریف که در این مکان بود

آرامگاه قطب زمین و زمان بود

شیخ الطریقه ابوالحسن خارقانی است

این کالبد که در دل خاکش مکان بود

بر سیصد و هزار و چهل و هشت چون فزود

تاریخ سال این حرم و آستان بود

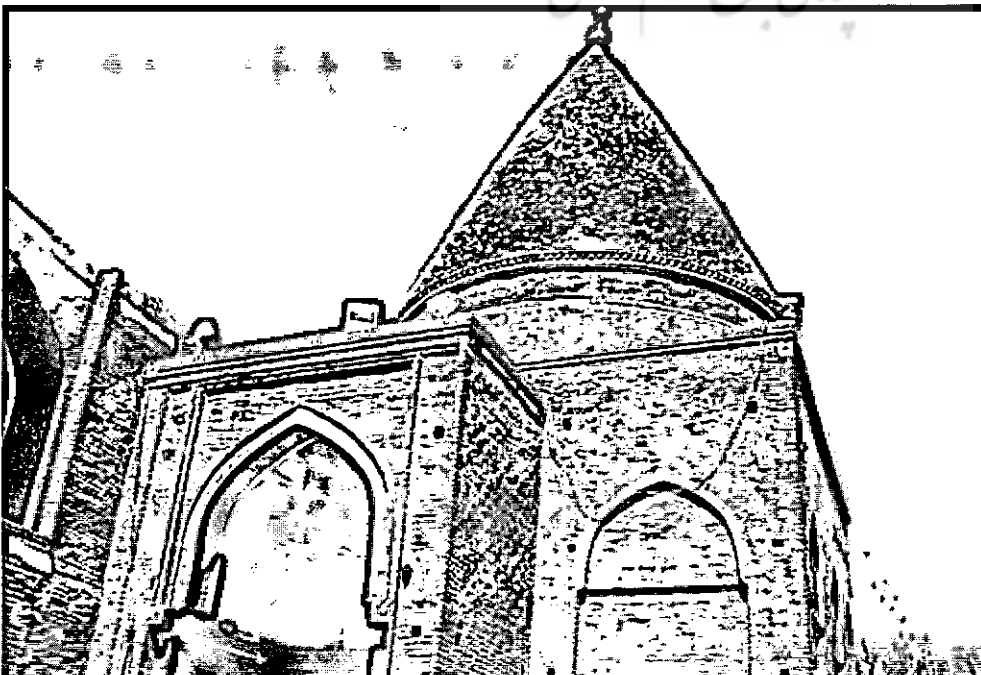
تعمیر بقعه معتمد الملک کرد و خواست



این بقعه رشک روضه باغ جنان بود  
 زین مضجع عظیمیا به روزگار  
 نامش به یادگار شرف جاودان بود  
 این شعرهای نادره از طبع نادری است  
 کاندر فنون شعر بدیع الزمان بود  
 از این اشعار استنباط می‌شود که تاریخ تعمیر آرامگاه قبلی شیخ ابوالحسن خرقانی در سال ۱۳۴۸ ق  
 به وسیله معتمدالملک عظیمیا صورت گرفته است.<sup>۲۶</sup>  
 از دیگر اماکن و ابنیه بسطام و توابع آن عبارتند از:  
 بقعه سید ابوالقاسم در بسطام  
 بقعه امامزاده ابراهیم در مجن  
 بقعه امامزاده ابراهیم قهچ علیا  
 بقعه امامزاده محمد سراوین قطری در نزدیکی روستای ابر  
 بقعه امامزاده معصومزاده در روستای قلعه نوخرقان  
 برج و باروی قلعه نوخرقان مربوط به دوره قاجاریه  
 برج خشتی مزج مربوط به دوره قاجاریه  
 حمام امامزاده قطری مربوط به دوره قاجاریه  
 حمام بسطام مربوط به دوره قاجاریه  
 حمام امیریه  
 حسینییه روستای مزج مربوط به دوره قاجاریه.<sup>۲۷</sup>

### نتیجه

بی‌تردید این شهر با آن اصالت تاریخی، یکی از حوزه‌های غنی و پر بار فرهنگ و تمدن ایرانی می‌باشد و حاوی سرگذشت و آثار بسیار ارزشمندی است که با قدرتی بلامنازع بر عظمت و اعتبار این سرزمین کهنسال می‌افزاید.  
 یکی از آثار بسیار ارزشمند منطقه شاهرود که عظمت و قدمت آن اعتباری درخور توجه برای این



خطه به ارمان می آورد بافت تاریخی کم نظیر بسطام است که با دارا بودن بناها و فضاها تاریخی متعدد نظیر مسجد، مدرسه، مقبره، مزار، حمام و برج از دیرباز مورد توجه خاص مستشرقان مورخان و جهانگردان قرار داشته است.

پیدایش این مجموعه‌ها که معمولاً با ایجاد یک آرامگاه ساده یا یک مکان مذهبی، سیاسی شروع می‌شود در طول زمان با اضافه کردن بناها و فضاها دیگر از جمله مسجد، مدرسه، کتابخانه، آب انبار، خانقاه، زایرسرا، کاروانسرا و صومعه به یک مجموعه بسیار زیبا و باشکوه تبدیل شده است. از جمله این مجموعه‌ها که ایجادشان عمدتاً در بافت اصلی و مراکز شهرها به صورت سمبل بوده است مجموعه بناهای زیبای تاریخی - مذهبی بسطام در ۶ کیلومتری شمال شاهرود است که قدمت آن به ادوار مختلف اسلامی و گاه پیش از اسلام می‌رسد. این بناها شامل بخشهای مختلفی است که عبارتند از: بناهای صدر اسلام، منار و مسجدی از عهد سلجوقی، برجی از عهد ایلخانی، صومعه بایزید، مصلاهی از قرن هشتم هجری، مدرسه‌ای از عهد تیموری، مزاری مربوط به یکی از فرزندان امام جعفر صادق (ع) از دوره ایلخانی و بالاخره گنبدی از این عهد است.

#### پاورقی‌ها:

- \* کارشناس ارشد تاریخ و تمدن ملل اسلامی
۱. ابودلف، مسعود بن مهلهل خزرچی، سفرنامه ابودلف در ایران، ۳۴۱ قمری، ترجمه ابوالفضل طباطبایی، چاپ تهران، ۱۳۵۴.
  ۲. ناصر خسرو، ابو معین حمیدالدین، سفرنامه، زوار، تهران، ۱۳۳۵.
  ۳. حموی، یاقوت بن عبدالله، معجم البلدان.
  ۴. ژوزف مارکورات، و هرودوتارنگ، ترجمه داوود منشی‌زاده، (تهران، انتشارات ادبی و تاریخی موقوفات محمود افشار یزدی، ۱۳۶۸) ص ۱۷.
  ۵. ژوزف مارکورات، ایرانشهر بر مبنای جغرافیای موسی خورنی، ترجمه مریم احمدی، تهران، اطلاعات، ۱۳۷۳، ص ۱۴۵. این تپه تاریخی در ۲ کیلومتری شمال بسطام و در کنار شهرک رضوی واقع شده است.
  ۶. اسمعیل هنر یغمایی، جندق و قومس در اواخر دوره قاجاریه، به تصحیح عبدالکریم حکمته یغمایی، تهران، نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۳، ص ۱۲۵.
  ۷. تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی، ج ۲، ص ۵۴-۵۸.
  ۸. عزیزالله بیات، تاریخ تطبیقی ایران با کشورهای جهان از ماد تا انقراض پهلوی، تهران، امیر کبیر، ۱۳۸۱، ص ۲۰۹ و همچنین سعید نفیسی، تاریخ خاندان طاهری تهران، اقبال، ۱۳۲۵، ص ۲۵.
  ۹. بهاءالدین محمد بن حسن بن اسفندیار کاتب، تاریخ طبرستان، به تصحیح عباس اقبال، بیجا کتابخانه خاور، جلد ۱، ص ۱۰۱-۱۱۴.
  ۱۰. تیسایه اسدی، تاریخ البرز، قائم‌شهر، انتشارات روجا، بهار ۱۳۷۸، ص ۱۱۵-۱۱۶.
  ۱۱. سیدظهورالدین بن سیدنصیرالدین مرعشی، تاریخ طبرستان و رویان و مازندران، تهران انتشارات شرق، ۱۳۶۸، ص ۵۲-۲۰.
  ۱۲. عبد الریف حقیقت، «ایلخانان مغول در قومس» فصل‌نامه فرهنگ قومس، سال چهارم، شماره ۲ و ۳، ص ۱۱ و همچنین عبدالحسین سعیدیان، شناخت شهرهای ایران، تهران ۱۳۷۹، ص ۲۱۶.
  ۱۳. مجمل الفصحی، ص ۲۴۰ و ۲۴۶.
  ۱۴. زین العابدین شیرازی، ریاض السیاحه، ص ۵۱۸.
  ۱۵. محمدعلی مدرس تبریزی، ریحانة الادب، تهران کتابفروشی خیام، ۱۳۷۴، جلد ۷، ص ۳۰۹.
  ۱۶. همان و عبدالرفیع حقیقت، تاریخ عرفان و عارفان ایرانی، تهران، کومش، ۱۳۷۵، ص ۱۱۸.
  ۱۷. غلامحسین مصاحب دایرة المعارف فارسی، تهران امیرکبیر، ۱۳۸۰، جلد اول، ص ۳۸۶.
  ۱۸. تذکرة الاولیاء، جلد دوم، ص ۱۶۹ و همچنین مطلع الشمس، جلد اول، ص ۸۴.
  ۱۹. مجمع الفصحاء، جلد اول، ص ۱۴۱.
  ۲۰. مقدمه عبدالحسین زرین‌کوب، تهران، صدای معاصر، ۱۳۸۰، ص ۵۳۹ - ۵۴۰.
  ۲۱. ریاض السیاحه، مجموعه احوال و کرامات، ص ۵۲۳.
  ۲۲. مطلع الشمس، جلد اول، ص ۸۰.



۲۳. شهریار عدل، «مجموعه تاریخی بسطام»، فصل‌نامه فرهنگ قومس، ش ۱۶، سمنان، زمستان ۱۳۷۹، ص ۱۴۷.

۲۴. فرهنگ مردم شاهرود، ص ۱۱۹.

۲۵. معجم البلدان، جلد اول، ص ۵۴۱.

۲۶. مطلع الشمس، جلد اول، ص ۶۷ و ۶۸.

۲۷. مختصری از تاریخ بسطام، ص ۱۳۲ و ۱۳۳.

۲۸. همان.

۲۹. دونالد. ن. ویلبر، معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانان، ترجمه عبدالله فریاد، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۵، ص ۱۳۸ و ۱۳۹.

۳۰. جغرافیای تاریخی خراسان از نظر جهانگردان، ص ۱۵۷.

۳۱. عبدالرفیع حقیقت، شناسنامه آثار تاریخی کومش، استان سمنان.

۳۲. ذبیح‌الله بامداد صوفی و دیگران، نشریه فرهنگ شهرستان شاهرود، اداره فرهنگ شهرستان شاهرود، بی‌تا، ص ۵.

۳۳. شناسنامه آثار تاریخی کومش، استان سمنان، ص ۳۴۷.

۳۴. شناسنامه آثار تاریخی کومش، استان سمنان، ص ۳۴۸ و ۳۴۹.

۳۵. شناسنامه آثار تاریخی کومش، استان سمنان، ص ۳۵۱ و ۳۵۲.

۳۵. بسطام و بازید بسطامی، اقبال یغمایی، ص ۳۳ و ۳۴.

۳۶. همان.

۳۷. شناسنامه آثار تاریخی کومش، استان سمنان، ص ۳۵۳ و ۳۵۴.

۳۸. همان.

۳۹. همان.

۴۰. مرآة البلدان، عبدالحسین نوابی، دانشگاه تهران ۱۳۶۷، جلد ۱ و همچنین شناسنامه تاریخی آثار کومش، سمنان، ص ۳۶۲.

۴۱. عبدالرفیع حقیقت، شناسنامه تاریخی کومش، سمنان، ص ۳۶۱.

۴۲. همان، ص ۳۶۵.

۴۳. «مقبره شاهزاده افغان»، فصل‌نامه اثر، شماره: ص ۲۴۵.

۴۴. عبدالرفیع حقیقت، شناسنامه آثار تاریخی کومش، سمنان، ص ۳۶۶.

۴۵. صنایع الدوله، مطلع الشمس، جلد اول، ص ۸۱-۸۳.

۴۶. عبدالرفیع حقیقت، شناسنامه آثار تاریخی کومش، سمنان، ص ۳۶۷-۳۶۸.

۴۷. سیمای استان سمنان، جلد یک، ص ۲۷۰-۴۰۷ و همچنین شناسنامه تاریخی آثار کومش، سمنان، ص ۳۶۸-۳۷۵.

فهرست منابع و مآخذ:

۱. اسدی، تیسایه، تاریخ البرز، قائم شهر، انتشارات روجا، بهار ۱۳۷۸.

۲. اشپولر، برتولد، تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی، ترجمه محمود میرآفتاب، تهران، نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۳.

۳. اقبال آشتیانی، عباس و عاقلی، باقر، تاریخ ایران پس از اسلام، (تهران، نامک ۱۳۸۰).

۴. برتولد، ویلهلم، جغرافیای تاریخی ایران، ترجمه همایون صنعتی زاده، تهران انتشارات ادبی و تاریخی موقوفات محمود افشار یزدی، ۱۳۷۷.

۵. باقری، محمدمهدی، مختصری از تاریخ بسطام، بی‌جا انتشارات علمی، ۱۳۷۷.

۶. بامداد، مهدی، شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲ و ۱۳ و ۱۴، تهران، بی‌تا، ۱۳۴۳.

۷. بامداد، صوفی، ذبیح‌الله، نشریه فرهنگ شهرستان شاهرود، شاهرود اداره فرهنگ شهرستان شاهرود، بی‌تا.

۸. بلاذری، احمد بن یحیی، فتوح البلدان، ترجمه آذرتاش آذرنوش، تهران، سروش، ۱۳۶۴.

۹. کلیات جغرافیای طبیعی و تاریخی ایران، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۹.

۱۰. بیانی، شیرین، ایران در بر خورد با مغول، تهران، کتابخانه طهوری ۱۳۵۳.

۱۱. پیرنیا، حسن، ایران باستان، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۷۳، ج ۳.

۱۲. جمعی از مؤلفین، فرهنگ جغرافیایی آبادهای کشور جمهوری اسلامی ایران، اداره جغرافیایی ارتش، ج ۲۹.

۱۳. جمعی از مؤلفین، فرهنگ جغرافیایی روستاهای کشور، تهران، سازمان نقشه‌برداری کشور ۱۳۷۲، ج ۹.

۱۴. جمعی از مؤلفین، فصل‌نامه فرهنگی - هنری فرهنگ قومس، سال اول، شماره ۴، زمستان ۱۳۶۷.

۱۵. جمعی از مؤلفین، نشریه ایرانشهر (کمسیون ملی یونسکو- ایران)، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۲.



۱۶. حسین پور، ثاقب، تاریخچه و قانون تقسیمات کشوری ایران، سمنان، استانداری سمنان، آبان ۱۳۷۳.

۱۷. حقیقت، عبدالرفیع، «ایلخانان مغول در قومس»، فصلنامه فرهنگ قومس، سال چهارم، شماره ۲ و ۳، تابستان ۱۳۷۹.

۱۸. تجلی، تاریخ ایران، تهران، قومس، ۱۳۷۵.

۱۹. شناسنامه آثار تاریخی قومس، تهران، مؤلف، ۱۳۷۱.

۲۰. فرهنگ تاریخی و جغرافیایی شهرستانهای ایران، تهران، قومس، ۱۳۷۶.

۲۱. نورالعلوم، تهران، کتابخانه بهجت، ۱۳۷۳.

۲۲. هفت گنج قومس، تهران، قومس، ۱۳۷۳.

۲۳. معجم البلدان، ترجمه علی نقی منزوی، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور ۱۳۸۰، ج ۱.

۲۴. خرندزی زیدری نسوی، شهاب‌الدین محمد سیرت، جلال‌الدین منکبرنی، تصحیح مجتبی مینوی، تهران، علمی فرهنگی، ۱۳۶۵.

۲۵. تاریخ ایران بعد از اسلام، تهران، امیر کبیر ۱۳۶۲.

۲۶. روزگاران (تهران، سخن ۱۳۸۰).

۲۷. سعیدیان، عبدالحسین، سرزمین و مردم ایران، تهران، علم و زندگی، ۱۳۶۹.

۲۸. شریعت زاده، سید علی اصغر، فرهنگ مردم شاهرود، تهران، مؤلف ۱۳۷۱، ج ۲.

۲۹. طبری، محمدبن جریر، تاریخ طبری (تاریخ الرسل و الملوک)، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، اساطیر، ۱۳۶۲، ج ۵.

۳۰. طاهری، ابوالقاسم، جغرافیای تاریخی خراسان از نظر جهانگردان، تهران، بی نا ۱۳۴۸.

۳۱. کاتب، بهاء‌الدین محمدبن حسن بن اسفندیار، تاریخ طبرستان به تصحیح عباس اقبال، بی جا، کتابخانه خاور، بی تا.

۳۲. لمبتون، آ.ک.س، ایران عصر قاجار، ترجمه سیمین فصیحی، تهران، انتشارات گوتنبرگ ۱۳۷۵.

۳۳. مارکوارت، ژوزف، ایرانشهر بر مبنای جغرافیای موسی خورنی، ترجمه مریم میراحمدی، تهران، اطلاعات، ۱۳۷۳.

۳۴. مارکوارت، ژوزف، و هر دو ارننگ، ترجمه داوود منشی‌زاده، تهران، انتشارات ادبی و تاریخی محمود افشار یزدی، ۱۳۶۸.

۳۵. مدرس تبریزی، میرزا محمدعلی، ریحانة الادب، تهران، کتابفروشی خیام، ۱۳۷۴، ج ۷.

۳۶. مرعشی، سید ظهیرالدین بن سید نصیرالدین، تاریخ طبرستان و رویان و مازندران، به کوشش محمد تسیبحی، تهران، انتشارات شرق، ۱۳۶۸.

۳۷. مشکور، محمدجواد، جغرافیای تاریخی ایران باستان، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۷۱.

۳۸. مصاحب، غلامحسین، دایرة المعارف فارسی، تهران، امیر کبیر، ۱۳۸۰، ج ۱.

۳۹. میرجعفری، حسین، تاریخ تحولات سیاسی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره تیموریان و ترکمانان، اصفهان، سمت، ۱۳۷۹.

۴۰. نفیسی، سعید، تاریخ خاندان طاهری، تهران، اقبال، ۱۳۲۵.

۴۱. نهجیری، غلامحسین، جغرافیای تاریخی شهرها، تهران، انتشارات مدرسه، ۱۳۷۰.

۴۲. ویلبر، دونالدون، معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانان، ترجمه عبدالله فریاد، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۵.

۴۳. هروی، جواد، تاریخ سامانیان، عصر طلایی ایران بعد از اسلام، تهران، امیر کبیر، ۱۳۸۰.

۴۴. هنر یغمایی، اسماعیل، جندق و قومس در اواخر دوره قاجار، به تصحیح عبدالکریم حکمت یغمایی، تهران، نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۳.

۴۵. هیأت مؤلفین، جغرافیای استان سمنان، تهران، سازمان پژوهش‌ها و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۷۴.

۴۶. هیأت مؤلفین، فرهنگ جغرافیای روستاهای کشور، تهران، سازمان نقشه‌برداری کشور، ۱۳۷۲، ج ۹.

۴۷. یغمایی، اقبال، بسطام و بایزید بسطامی، بی جا، بی نا، بی تا.

۴۸. «مشاهیر قومس»، فصلنامه فرهنگ قومس، شماره ۱۰.

۴۹. عدل، شهریار، «مجموعه تاریخی بسطام»، فصلنامه فرهنگ قومس، سال چهارم، شماره ۱۶، اداره کل فرهنگ و ارشاد استان سمنان.

۵۰. عدل، شهریار، «کتابخانه‌ای نویافته در بسطام»، فصلنامه اثر، شماره ۱۰، بهمن ۱۳۶۴.